

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ

نام موسسه : امام حسین (ع)

ناحیه آموزش و پرورش : ناحیه ۲

نام شهرستان : نیشابور

مدرسه : امام حسین (ع)

(پنجمین جشنواره علمی پژوهشی تا ثریا)

عنوان پژوهش : کاهش وابستگی اقتصادی به درآمد حاصل از فروش نفت خام

دبیر راهنما : جناب آقای سعدآبادی

پایه و رشته تحصیلی : دهم تجربی

نام پژوهشگر : مصطفی اله وردی و محمد قدمیاری

سال پژوهش : ۹۸-۹۹

## با تقدیر و تشکر

از جناب آقای حسینی و خانم برزنونی

که به ما در این فعالیت پژوهشی کمک زیادی کردند.

تشکر ویژه از جناب آقای سلیمانی که در این زمینه اطلاعات زیادی را در اختیار ما قرار دادند. و تمامی

کسانی که در این زمینه ما را همراهی کردند. تقدیم به تمامی کسانی که برای این مرز و بوم تلاش و

خدمت کرده و میکنند.

## چکیده :

شرایط فنی لزوم تجدید نظر اساسی در شیوه استفاده از منابع نفت و گاز کشور را قطعی می کند. از نظر نگاه اقتصادی و اقتصاد اسلامی با توجه به آینده بازار و احتمال بالای کاهش قیمت میبایست سیاست فروش نفت و گاز خام تغییر کند و به سمت ایجاد ارزش افزوده بیشتر حرکت کرد و از ورود ارزش منابع طبیعی به بودجه دولت خودداری شود تا ضمن کاهش وابستگی بودجه دولت به نفت از اتلاف منابع جلوگیری شود. بند های سیزده، چهارده، پانزده، هفده و هجده سیاست های اقتصاد مقاومتی الزاماتی را ایجاد کرده که به نظر می آید با توجه به آینده بازار نفت به خوبی تنظیم شده و لازم است در جهت آن حرکت صورت گیرد. توجه جدی به عرضه منابع غیر متعارف و تاثیر آن بر بازار انرژی تصمیمات دقیق تری را شکل می دهد.

**واژگان کلیدی:** نفت و گاز غیر متعارف، اقتصاد مقاومتی، اقتصاد انرژی

## فهرست مطالب

۱.....	مقدمه.....
۲.....	اهداف تحقیق.....
۳.....	متن تحقیق.....
۱۶.....	نتیجه گیری.....
۱۸.....	منابع.....



## مقدمه :

در این مقاله تلاش شده است تا مبانی نظری بیماری هلندی مورد بررسی قرار گرفته و با استفاده از شاخصهایی، وجود یا عدم وجود آن در اقتصاد ایران آزمون شود. براساس ملاحظات نظری اولین نتیجه تزریق درآمدهای ارزی حاصل از صادرات موادخام، تقویت پول ملی و رشد عرضه پول در درون نظام اقتصادی است که علاوه بر دامن زدن بر رشد مصرف در جامعه، با افزایش نسبت شاخص قیمت کالاهای غیرقابل مبادله به قابل مبادله در کنار ساختارهای غیر بهینه تولید، هزینه ثابت سرمایه و نیز هزینه ریالی تولید را افزایش میدهد و غیر رقابتی بودن محصول صنایع داخلی را تشدید می کند که همه این عوارض به عنوان آثار بروز بیماری هلندی در اقتصاد تلقی میشود. یکی از معتبرترین شاخصها جهت تأیید بیماری هلندی از بعد نظری و آماری، نسبت شاخص قیمت کالاهای غیرقابل مبادله به کالاهای قابل مبادله است که در این مورد تفکیک آماری مشخصی در کشور وجود ندارد. اطلاعات آماری استخراج شده از شاخص جانشین بیان کننده آن است که با رشد درآمدهای نفتی نسبت شاخص قیمت کالاهای غیرقابل مبادله به قابل مبادله افزایش ملایمی را طی سالهای گذشته تجربه کرده است که در سالهای اخیر دارای رشد سریع تری نیز بوده است. این امر گمان ما را در مورد وجود سطح خفیفی از بیماری هلندی در کشور، به ویژه در سالهای اخیر تقویت می کند، هر چند که استفاده از این رابطه همواره استنتاج نتایج قطعی را با تردید رو برو می کند.

## اهداف تحقیق

هدف اصلی ما در این پژوهش این است که راهکار هایی را در رابطه با کاهش وابستگی اقتصادی کشور به نفت خام را خدمت شما ارائه کنیم، راهکار هایی که موجب میشود حتب با تحریم شدن نفت کشورمان، به اقتصاد کشورمان لطمه وارد نشود و در آن تغییری رخ ندهد.

هر کشور می تواند از طریق راه های زیادی در آمد داشته باشد، مثلاً:

در آمد از طریق صادرات صنایع دستی، صادرات محصولات کشاورزی، فروش نفت، گردشگری، بازرگانی

و...

در موارد ذکر شده درآمد حاصل از فروش نفت از بقیه بیشتر است و کشوری که نفت دارد، کمتر به موارد دیگر توجه میکند و تمرکز خود را روی فروش نفت میگذارد و دلیل اصلی عقب ماندگی بعضی از این کشور ها، همین است.

کشور ما نیز به همین وابستگی اقتصادی نیز دچار شده است و همه ما شاهد بودیم زمانی که آمریکا نفت کشور ما را تحریم کرد، ارزش پول کشور ما به شدت افت کرد و از طرفی، قیمت نفت بالا رفت.

آیا اگر کشور ما از راه گردشگری همانند ترکیه در آمد داشت، شاهد چنین پدیده اقتصادی بودیم؟

یا اگر مانند هلند از طریق صادرات لبنیات کسب در آمد می کردیم، اوضاع اقتصاد کشور ما

بعد از تحریم اینگونه میشد؟

پس هدف ما این است که از راه دیگری در آمدی بالا با سرمایه گذاری اندک داشته باشیم.



## متن تحقیق

. رویکردی نظری به آثار بیماری هلندی در ساختارهای اقتصادی مختلف نظام نرخهای ارز

### ثابت در کنار نرخهای بهره غیرمنعطف

در این گزینه منبع اصلی تغییرات در عرضه پول از ذخایر ارزی خواهد بود. دولت برای تأمین مصارف بودجه خود با فروش ارز به بانک مرکزی، به رشد عرضه پول دامن میزند . افزایش داراییهای خارجی بانک مرکزی، رشد پایه پولی و افزایش حجم عرضه پول را به دنبال خواهد داشت و این در حالی است که بانک مرکزی به دلیل کنترل دستوری نرخهای بهره، از امکانات محدودی برای کنترل نرخ رشد عرضه پول از طریق تغییر نرخهای بهره برخوردار است. قدرت انقباض پولی محدود سیستم به تشدید فرآیندهای تورمی خواهد انجامید و در شرایطی که نرخ ارز ثابت باشد این امر تقویت پول ملی و رشد واردات را در پی خواهد داشت. به علاوه در چنین نظامی ارزش گذاری نادقیق نرخ برابری پول ملی در برابر ارزهای خارجی، حاشیه سود مطمئنی را برای شکل گیری پدیده آربیتراژ فراهم میکند که خود میتواند به رونق بورس بازی در بازار کالاهای قابل مبادله، بیثباتی بازار مالی و افزایش دامنه نوسانات نرخ تورم بیانجامد. در حقیقت کنترل محدود مقام پولی بر رشد عرضه پول، ارزش گذاری ناصحیح نرخهای ارز و روند ورود و خروج جریانات کوتاهمدت سرمایه به چنین کشورهایی - به دلیل نرخهای ارز و بهره ثابت - شکل گیری تورم پولی با دامنه نوسانات زیاد را محقق می کند. این پدیده در کشورهایمانند ایران امکان حفظ ثبات نرخ ارز و تقویت قابل توجه پول ملی را در یک افق بلندمدت محدود می کند. با این حال در کوتاهمدت رشد واردات قابل توجه بوده و همین امر افزایش عرضه محصولات قابل مبادله را در پی خواهد داشت که بر رشد قیمت محصولات تغییر قابل مبادله بیش از پیش اثر میگذارد. نتیجه چنین پیامدی رکود صنایع غیرمدرن به دلیل واردات

بی رویه و رکود تورمی در بخش غیرقابل مبادله به جهت افزایش قابل توجه قیمت آن از یکسو و کاهش تقاضای واقعی حاصل از فزونی قیمت از سوی دیگر است.

### **. نرخهای ارز شناور - نرخهای بهره غیرمنعطف**

در شرایط وجود نرخهای ارز شناور و نرخهای بهره غیرمنعطف، میتوان انتظار داشت که ورود ذخایر ارزی به چین کشوری در بازار داخلی از طریق افزایش قدرت پول ملی یا کاهش نرخ ارز تخلیه شود. در چین شرایطی تأمین منابع بودجه دولت با فروش ارز در بازار داخلی نامطمئن خواهد بود و افزایش قدرت پول ملی، رشد واردات محصولات قابل مبادله را فزونی میبخشد. بنابراین می توان پیشبینی کرد که به دلیل رشد فزاینده واردات، سطح قیمتها در بخش کالاهای قابل مبادله در مقایسه با کالاهای غیر قابل مبادله با شدت بیشتری نسبت به حالت قبل کاهش یابد.

در مقابل، صادرات کشور به دلیل تقویت پول ملی کاهش بیشتری یافته و صنایع داخلی به ویژه صنایع غیرمدرن و اغلب کوچک تحت فشار بیشتری قرار میگیرند. در این زمینه ثبات نرخهای بهره و تقویت پول ملی موجب میشد و که جریان ورود سرمایه کوتاه مدت خارجی برای سرمایه گذاریهای پر سود و کوتاه مدت تقویت شود و انعکاس آن در بخشهای غیرقابل مبادله هم تشدید خواهد شد (آربیتراژ نرخ بهره). از این نظر احتمال بروز کاهش فعالیت در بخشهای غیرمدرن که بیشتر معطوف به بخش غیررسمی اقتصاد و صنایع کوچکتر هستند، فزاینده خواهد بود. همچنین افزایش قیمت در بخشهای غیرقابل مبادله تشدید خواهد شد. علاوه بر اینکه بازار ارز (جدای آثار روانی به بازار) در شرایط نبود سازوکارهای کنترل جریانهای کوتاه مدت سرمایه، از ناحیه شوکهای خارجی با نوسانات بیشتری روبه رو خواهد شد. این شرایط میتواند مخاطرات حاصل از سفته بازی ارز را توأم با فشار بر رشد بخش خدمات به دنبال داشته باشد.

## . نرخهای ارز ثابت - نرخهای بهره منعطف

هر چند ترکیب این دو رویکرد در یک اقتصاد دور از ذهن است، با این حال در نظامی که نرخهای ارز غیرمنعطف و نرخهای بهره منعطف وجود دارد و دولت برای تأمین نیازهای هزینه‌های خود ارز حاصل از صادرات را از طریق بانک مرکزی به پول ملی تبدیل و مقدمات رشد عرضه پول را فراهم میکند، می‌توان تصور کرد که رشد عرضه پول قابل ملاحظه باشد. از سوی دیگر انعطاف‌پذیری نرخهای بهره در این شرایط امکان تعدیل از طریق نرخ بهره را فراهم میکند و امکان تغییرات سرمایه‌گذاری در مقابل نرخ بهره را افزایش خواهد داد و احتمال دارد با افزایش سرمایه‌گذاری داخلی و کاهش سرمایه‌گذاری خارجی همراه باشد. در نتیجه میتوان پیش‌بینی کرد با رشد عرضه پول از یک سو به فراخور ساختار عرضه، نرخ تورم افزایش یابد. با چنین شرایطی با توجه به ثبات نرخ ارز، ارزش پول ملی تقویت شده، واردات ارزان شده و روندهای تشدید میشود. این امر ارزانتر شدن قیمت کالاهای قابل مبادله را در مقایسه با کالاهای غیرقابل مبادله در داخل در پی خواهد داشت. کاهش نرخ بهره همچنین افزایش مصرف کالاهای مصرفی با دوام در جامعه را به دنبال دارد که رشد واردات کالاهای قابل مبادله را در این مسیر تسهیل میکند.

## . نرخ ارز شناور - نرخهای بهره منعطف

در چنین شرایطی جریان درآمدهای ارزی به کشور با شدیدترین میزان ممکن بر متغیرهای اقتصادی منعکس خواهد شد، هر چند سرعت تعدیل این متغیرها در اقتصاد بسیار کوتاه‌تر از سناریوهای قبل است. آثار کوتاه مدت بیماری هلندی بر اقتصاد چین کشورهایی نیز رشد واردات و افزایش قیمت کالاهای غیرقابل مبادله و کاهش نسبت کالاهای قابل مبادله خواهد بود.

سازوکار چنین سیستمی با توجه به موارد مطرح شده در سه گزینه اشاره شده پیش واضح و روشن به نظر میرسد.

همان طور که مشاهده میشود صرف نظر از نظام پولی و ارزی، واردات بیرویه و تورم‌مغین‌ترین پیامدهای تزریق ارز از جانب بودجه دولت در چنین اقتصادهایی است که میتواند تحت تأثیر عوامل دیگری نیز به‌وقوع بپیوندد. در حالی که سایر آثار و پیامدها می‌توانند بر اساس ساختار بازار مالی، نظام پولی و ارزی و به‌ویژه کشش‌پذیری طرف عرضه در اقتصاد تأثیرگذار باشند. به‌علاوه هرچه سطح انعطاف‌پذیری نرخه‌ای ارز و بهره‌افزایش‌یابند تعادلها سریعتر و انتظار تأثیرات آن بر متغیرهای اقتصادی شدیدتر خواهد بود.

همچنین پیش‌بینی میشود که واردات بیرویه از طریق افزایش آسیب‌پذیری صنایع غیرمردن، تولید ملی را تحت‌الشعاع خود قرار دهد. میزان تأثیر سوء چنین روندی بر تولید ملی و صادرات با توجه به سطح حمایت‌های تجاری در این کشورها و توانایی رقابت‌پذیری صنایع داخلی در صحنه بین‌الملل متفاوت خواهد بود. با وجود این تا آنجا که به نسبت قیمت کالاهای قابل مبادله و غیرقابل مبادله در چنین کشورهایی مربوط میشود، عوامل متعدد و غیر هم‌جهت‌یابنده در کارند تا نسبت آن را برهم زنند. واردات به افزایش قیمت کالاهای غیرقابل مبادله در مقابل کالاهای قابل مبادله تمایل نشان میدهد، در حالی که مواردی نظیر آربیتراژ بهره و تغییر تقاضای سرم‌ایه‌گذاری می‌توانند هم‌جهت یا در خلاف جهت آن عمل کنند، بنابراین آنچه میتواند یک کشور دارای بیماری هلندی را از یک کشور عاری از آن متمایز کند هم‌زمانی دوطرفه رشد درآمدهای حاصل از محصولی خاص در اقتصاد و تغییر معنادار نسبت قیمت کالاها مقابل مبادله و غیرقابل مبادله خواهد بود.

**• بررسی روند برخی از شاخصهای بیماری هلندی**

برای آزمون فرضیه وقوع بیماری هلندی - در اقتصاد ایران - در سالهای رونق درآمدهای نفتی، اولین گام استخراج برخی از شاخصهای تبیینکننده این بیماری و مقایسه روند آنها با درآمد نفت است. همانگونه که اشاره شد، براساس ملاحظات نظری، در شرایط بروز بیماری هلندی پیشبینی میشود رونق صادرات مواد اولیه موجب افزایش ناگهانی درآمدهای ارزی کشور شود و در اثرافزایش قیمت نسبی کالاهای غیرقابل مبادله در مقایسه با قیمت کالاهای قابل مبادله، ساختار اقتصادی و الگوی رفتاری دولت در مورد چگونگی جذب و تعدیل این درآمدها در داخل و خارج کشور تغییر کند. حتی شواهد نشان میدهد که در صورت تداوم این روند الگوی توسعه ای که توسط دولت تعقیب میشود با تغییرات قابل ملاحظه ای روبرو میشود. این تغییرات به صورتتضعیف بخشهای تولیدکننده کالاهای قابل مبادله (عموماً در حوزه بخشهای کشاورزی و صنعت) و توسعه و گسترش بخشهای غیرقابل مبادله (عموماً خدمات و خدمات) خود را نشان میدهد. یک چنین رشد نامتوازن و تغییرات ساختاری "بیماری هلندی" نامیده میشود.

. بررسی روند درآمدهای نفتی با نسبت شاخص قیمت کالاهای قابل مبادله

### بهکالاهای غیرقابل مبادله

بیماری هلندی با جهش درآمدهای ارزی حاصل از بروز رونق در یک بخش تولیدکننده کالاهایصادراتی (معمولاً مواد معدنی مانند نفت و گاز) آغاز می شود و افزایش درآمدهای ارزی باعثافزایش درآمد ملی و به نوبه خود افزایش تقاضا هم برای کالاهای قابل مبادله و هم غیرقابل مبادله میشود. با توجه به کم کشش بودن عرضه داخلی - در کوتاه مدت - دولتها معمولاً برای پرکردن شکاف عرضه و تقاضا و کنترل تورم، اقدام به واردات میکنند. روشن است که این اقدام فقطکالاهایی را در بر میگیرد که از توانایی مبادله بین المللی برخوردارند، این در حالی است کهکالاهای غیرقابل مبادله نظیر راه، ساختمان و نظایر آن در حد عرضه داخلی باقی میمانند. از این رو در حالی که قیمت کالاهای قابل مبادله - با افزایش عرضه از طریق واردات - تقریباً در حد قبلیتثبیت می شود، قیمت کالاهای غیرقابل مبادله به دلیل فشار تقاضا افزایش مییابد. به این

ترتیب، از طریق موارد یادشده قیمت نسبی کالاهای غیرقابل مبادله نسبت به کالاهای قابل مبادله افزایش خواهد یافت.

بررسی شاخص یادشده، نیاز به تعریف و شناسایی بخشهای غیرقابل مبادله و قابل مبادله دارد. تعریف این دو بخش در کشورهای در حال توسعه مانند برخی از کشورهای توسعه یافته تاحدودی دشوار است. بهطور کلی باید گفت هیچ دلیل ذاتی در مورد این کالاها و خدمات وجود ندارد که آنها را بهصورت غیرقابل مبادله درآورد، بلکه کالاهای غیرقابل مبادله آن دسته کالاهاستند که بهدلیل حجم زیاد و ارزش پایین که مانع سودآوری تجاری آنهاست، یا بهدلیل حمایتهای دولت (تعرفه یا سهمیه واردات) و کنترل قیمتهای داخلی وارد عرصه تجارت جهانی میشوند. از اینرو، براساس گفته وان وین برگن، بخش تولید کالاهای ساخته شده کارخانه ای (در بسیاری از کشورها) از طریق برقراری سیستم سهمیهها حمایت میشود، به طوری که محصولات این بخشها حالت نیمه مبادلهای دارد. از اینرو افزایش درآمدهای نفتی از طریق اثرافزایش تقاضا، سبب ترقی قیمت نسبی بخش کالای ساخته شده کارخانهای داخلی میشود و اینبخش را مانند بخش تولیدکننده کالاهای غیرقابل مبادله، توسعه میدهد. یکی از دلایل تضعیفشدن مطلق بخش صنعت در کشورهای در حال توسعه (نظیر ایران) پس از رونق، همین عامل (حمایت) بوده است.

ملاحظات دیگری نیز در مورد تقسیم بندی کالاها به قابل مبادله و غیرقابل مبادله وجود دارد. در این تحقیق بهدلیل محدودیت های آماری از شاخص قیمت کالاهای بخش کشاورزی بهعنوان شاخص قیمت کالاهای قابل مبادله و از شاخص قیمت بخشهای ساختمان و خدمات

بهعنوان شاخص قیمت کالاهای غیرقابل مبادله استفاده شده است.

برای تحصیل شاخص بیماری هلندی (DDI)، شاخص کالاهای قابل مبادله بر شاخص کالاهای غیرقابل مبادله تقسیم شده است، افزایش DDI معرف افزایش قیمت کالاهای قابل مبادله نسبت به کالاهای غیرقابل مبادله است و کاهش DDI نشان دهنده افزایش نسبی کالاهای غیرقابل مبادله در مقایسه با کالاهای قابل مبادله است.

مطابق مباحث نظری مطرح شده پیشبینی میشود در شرایط بیماری هلندی، حجم واردات کالاها به کشور افزایش یافته و رشد قیمتها در بخش غیرقابل مبادله - به دلیل محدودیتهای تولید - افزایش یابد با چنین شرایطی میبایست DDI کاهش یابد، در حالی که در شرایط عادی DDI نوسان کمتری داشته باشد. همچنین برای سهولت تحلیل میتوان از عکس شاخص یادشده، برای تحلیل آثار بیماری هلندی در بخش غیرقابل مبادله اقتصاد استفاده کرد.

در این راستا بررسی روند شاخص قیمت کالاهای غیرقابل مبادله به شاخص قیمت کالاهای قابل مبادله طی سالهای 1338-1383 بیان کننده آن است که طی سالهای 1338-1362 با وجود افزایش شدید درآمدهای نفتی طی سالهای 1353 و 1356، شاخص یادشده دارای تغییری رات ملایمی بوده است. در واقع طی سالهای پیش از انقلاب، با توجه به سیاست دولت مبنی بر جذب فوری و نه تدریجی درآمدهای نفتی در داخل کشور به همراه افزایش سریع اعتبارات نظام بانکی، تقاضای کل به شدت افزایش یافته است. افزایش تقاضای داخلی به معنی افزایش تقاضا هم برای کالاهای قابل مبادله و هم برای کالاهای غیرقابل مبادله بوده است. تقاضا برای کالاهای قابل مبادله از طریق افزایش سریع واردات پاسخ داده شده است، به طوری که طی سالهای (1356-1352) در مجموع 65/7 میلیارد دلار واردات کالایی انجام شده است و واردات به میزان سالانه 43/1 درصد رشد داشته است. با این حال افزایش سریع واردات تا حدودی در تخفیف فشارهای تورمی کالاهای قابل مبادله مؤثر بوده است، ولی موجب تشدید تنگناهای زیربنایی در زمینه تخلیه، انبارداری، ترخیص کالا، حمل و نقل و توزیع کالاهای وارداتی شد و از این طریق، افزایش قیمت کالاهای قابل مبادله را در پی داشت.

در همین دوره فشارهای تورمی حاصل از افزایش تقاضا، نبود تعادل‌های اصلی در سطوح مختلف اقتصاد کشور به وجود آورد که فقط به افزایش درآمدهای نفتی معطوف نبود. در میان بخش‌های مختلف، بخش مسکن و ساختمان به دلیل افزایش سریع درآمدها و تشدید روند مهاجرت به شهرها با بیتعادلی شدیدتری روبرو شد و در نتیجه موجب ترقی بهای زمین، مصالح ساختمانی و دستمزد کارگران ساختمانی شد.

خلاصه طی سالهای پیش از انقلاب با وجود افزایش شدید درآمدهای حاصل از صدور نفت خام، به دلیل افزایش قیمت در هر دو بخش کالاهای قابل مبادله و کالاهای غیرقابل مبادله، شاخص قیمت‌های نسبی روند ملایمی را طی کرد. لازم به یادآوری است که این امر رانمیتوان ناظر بر رد □ یا قبول فرضیه وجود بیماری هلندی طی این سالها دانست، زیرا به رغم رشدها، به دلیل محدودیت زیربناها اعم از بندر، راه، انبار، حمل و نقل و نظایر آنها، همچنین تورم جهانی در بخش کالاهای قابل مبادله نیز افزایش چشمگیری داشته است. در عین حال، رشد سریع قیمت‌ها در بخش مسکن و ساختمان طی این سالها نیز به شدت از روند توسعه شهرنشینی و مهاجرت از روستا به شهر، ارتقای الگوی مصرف و نظایر آن متأثر شده است و برآیند این نیروها در نهایت به روند خلاف نظریه متغیر نسبت کالاهای غیر قابل مبادله به قابل مبادله در برخی سالها - براساس شاخص معرفی شده - انجامیده است.

بررسی روند تغییر درآمدهای نفتی و شاخص قیمت کالاهای غیرقابل مبادله به قابل مبادله طی سالهای پس از انقلاب، در مجموع افزایش ملایم این شاخص را نشان میدهد که در سالهای اخیر دارای رشد سریعتری نیز بوده است.

به بیان دیگر افزایش درآمدهای ارزی حاصل از صدور نفت خام و تزریق آن به اقتصاد کشور موجب افزایش شدیدتر قیمت‌ها در کالاهای غیرقابل مبادله (ساختمان و مسکن) طی این سالها شده است و این مسئله را می توان به عنوان یکی از علائم بروز بیماری هلندی طی سالهای مورد بحث قرار داد. در نگاهی دقیقتر به آمارها طی سالهای پس از انقلاب در حقیقت سال 1362 را میتوان نقطه آغازین حرکت شاخص DDI در اقتصاد کشور دانست. به گونه‌ای که با رشد فزاینده درآمدهای ارزی حاصل



از صدور نفت خام حرکت افزایش شاخص آغاز شده و به رغم کاهش درآمدهای ارزی حاصل از نفت و وجود هزینه‌های سنگین جنگ و بازسازی به ویژه در سالهای 1366 و 1368 باز هم شاهد رشد فزاینده قیمت کالاهای غیرقابل مبادله در کشور هستیم.

این روند با کاهش درآمدهای نفت در سال 1375 روندی نزولی یافته است، ولی به احتمال زیاد میتوان گفت افزایش درآمدهای نفت به ویژه در سالهای پس از پیروزی انقلاب اسلامی در افزایش این شاخص نقش داشته است، علاوه بر اینکه اجرای سیاستهای تعدیل ساختاری و دریافت وام از بانک جهانی می تواند توجیه کننده افزایش این شاخص در اوایل دهه 70 بهرغم کاهش درآمدهای نفتی باشد.

. سهم ارزش افزوده بخشهای اقتصادی در تولید ناخالص داخلی بدون نفت براساس الگوی کلاسیک بیماری هلندی، پیش بینی می شود که با افزایش ناگهانی درآمدهای ارزی کشور، در اثر افزایش قیمت نسبی کالاهای غیرقابل مبادله در مقایسه با کالاهای قابل مبادله، تغییرات ساختاری در اقتصاد کشور به صورت تضعیف بخشهای تولیدکننده کالاهای قابل مبادله (کشاورزی و صنعت) و توسعه و گسترش بخشهای غیرقابل مبادله (خدمات و ساختمان) پدیدار شود.<sup>1</sup>

مطالعات تجربی در مورد بیشتر کشورهای در حال توسعه صادرکننده نفت، برخلاف مدل اصلی بیماری هلندی، نشاندهنده آن است که بخش صنعت در دهه 1970 رشد یافته و از سوی دیگر بخش کشاورزی در این کشورها تضعیف شده است. در همین راستا فردمنش<sup>2</sup> با وارد کردن اثر قیمت جهانی نفت بر مدل کلاسیک بیماری هلندی، الگویی را برای کشورهای در حال توسعه صادرکننده نفت ارائه و پیش بینی کرده است که پس از افزایش درآمدهای نفتی، این کشورها دچار پدیده ضد کشاورزی شده اند.

آنچه در کشور ما میتوان پیش از هرگونه بررسی آماری بیان داشت این است که ارتباط پیشین و پسین بخش نفت با سایر بخشهای اقتصادی بسیار محدود است، همچنین این بخش، نقش مهمی در تأمین

درآمدهای ارزی دارد و عملکرد آن در بازارهای جهانی تعیین می‌شود در حالی که نحوه عملکرد بخش کشاورزی و صنعت به عوامل داخلی بستگی دارد.

به عبارت دیگر، نقش اساسی صنعت نفت در اقتصاد ایران همواره نقش مالی بوده و تنها کارکرد اساسی آن تأمین ارز مورد نیاز بخشها بوده است. دستگاههای عظیم برای اکتشاف و استخراج و صدور نفتخام بهوجود آمده تا فقط به کسب درآمد ارزی برای دولت بپردازد، بیآنکه پیوند لازم را با سایر بخشهای اقتصادی ایران برقرار کند، بهطوری که آثار پیوستگی مستقیم اعمال آثار پیشین و پسین این صنعت با سایر بخشهای اقتصادی نظیر صنعت و کشاورزی در حد بسیار ناچیزی باقی مانده است. بنابراین در بررسی آماری سهم ارزش افزوده بخشها از تولید ناخالص داخلی نه تنها توجه به مباحث یادشده ضروری است بلکه نکات دیگری باید مورد توجه قرار گیرد. در این رابطه میتوان به این دو مورد اشاره کرد:

نخست، سهم ارزش افزوده بخش کشاورزی از تولید ناخالص داخلی بیش از آنکه تحت تأثیر افت و خیزهای درآمد نفت باشد، متأثر از میزان بارندگی و شرایط اقلیمی و نظایر آن است، دوم، در مسیر توسعه اقتصادی - جدا از تزریق درآمد نفت یا افزایش آن - سهم بخش خدمات از تولید ناخالص داخلی افزایش خواهد یافت.

بنابراین تنها متغیری که در این بخش میتواند نشاندهنده وقوع بیماری هلندی در اقتصاد باشد، سهم بخش صنعت از تولید ناخالص داخلی است. به بیان دیگر پیشبینی می‌شود در صورت وجود بیماری هلندی با افزایش درآمدهای نفتی، سهم بخش صنعت در تولید ناخالص داخلی کاهش یابد و بیماری هلندی پدیده "ضد صنعتی" را به همراه داشته باشد.

در کل دوره مورد بررسی (1338-1383) ضریب همبستگی بین درآمدهای نفتی و سهم بخش صنایع و معادن از تولید ناخالص داخلی، مثبت ولی بسیار کم بوده است.

برای بررسی دقیقتر وضع بخش صنعت در رابطه با تغییرات تولید ناخالص داخلی به مقایسه دو متغیر رشد درآمدهای نفتی و رشد ارزش افزوده صنایع و معادن پرداخته شده است. ضریبهمبستگی بین این دو متغیر در کل دوره مورد بررسی مثبت ولی کمتر از 50 درصد بوده است.

به بیان دیگر بخش صنعت و معدن در ایران برخلاف تجربه کشورهای توسعه یافته و برخی کشورهای در حال توسعه نظیر کویت و عربستان سعودی، با پدیده "ضد صنعتی" روبرو نبوده است. یکی از لایلهای مهم این امر - در طرف تقاضا - حمایت‌های دولت از بخش صنعت بوده است. این امر موجب بی‌نیازی این بخش به بازارهای خارجی و اتکاء آن به بازارهای داخلی بوده است.

به طور خلاصه در اقتصاد ایران، مقایسه سهم ارزش افزوده بخشهای مختلف از تولید ناخالص داخلی با درآمدهای نفتی، نمیتواند به عنوان شاخص مناسبی برای بررسی پدیده بروز بیماری هلندی محسوب شود زیرا بخش صنعت به دلیل حمایت‌های دولت، متکی به بازارهای داخلی است و با افزایش تزریق درآمدهای ارزی بروز پدیده ضد صنعتی دور از انتظار است. از آنجا که ارزش افزوده بخش کشاورزی نیز بیش از وابستگی به نفت به میزان بارندگی وابسته است، با افزایش درآمدهای نفتی پدیده ضد کشاورزی نیز رخ نخواهد داد یا وقوع آن را نمیتوان به نوسانات درآمد نفت تعبیر کرد. رشد بخش خدمات نیز بیش از اینکه وابسته به درآمد نفت باشد به فرآیند توسعه اقتصادی کشور وابسته است.

### مقایسه درآمدهای نفتی و واردات

یکی از بخشهایی که در پی شوک نفتی دستخوش تغییرات میشود، بخش تجارت خارجی و به طور مشخص واردات کالاها است که در بخش قبل به عنوان یک عامل عینی و مستقل از ساختار اقتصادی و نظام مالی آنها مورد تأکید قرار گرفت. البته با توجه به شرایط هر کشور متغیرهای متفاوتی میتواند بر واردات آن کشور اثر بگذارد و حجم و ترکیب آن را تعیین کند.

در کشور ما بیشتر درآمدهای ارزی، از فروش نفت به دست می‌آید و احتمال دارد که با افزایش درآمدهای نفتی، واردات افزایش یابد. واردات نیز با توجه به اینکه کالای سرمایه‌ای، واسطه‌ای یا مصرفی چه سهمی

از آن را تشکیل بدهد آثار گوناگونی بر اقتصاد بهجا میگذارد . بنابراین واردات یکی از مجراهای انتقال افزایش درآمدهای نفتی به سایر بخشهای اقتصاد محسوب می شود که علاوه بر پاسخگویی به تقاضای ایجاد شده، موجب رشد یا تضعیف بخش مبادله پذیر می شود.<sup>1</sup>

در ایران درآمدهای نفتی منبع اصلی درآمدهای ارزی به شمار میآید . در نتیجه افزایش صادرات نفتی تأثیر قابل توجهی به تقاضای واردات داشته به گونهای که واردات ایران از 860 میلیون دلار در سال 1344 به حدود 1186/4 میلیون دلار در سال 1354 رسیده است، یعنی حدود 1/3 برابر شده است. همراه با بالا رفتن درآمد نفتی، واردات از سال 1354 تا 1356، به طور متوسط سال یانه حدود 40/6 درصد افزایش یافته است. طی سالهای اخیر نیز با افزایش درآمدهای نفتی، واردات هر سال با رشد قابل توجهی روبرو بوده است . بهاین ترتیب واردات را نمی توان بهعنوان یکی از عاملهای اصلی در تشدید بیماری هلندی دانست و اثر آن را در کنار اثر حرکت منابع و اثر مخارج برای تحلیل آثار بیماری هلندی به کار گرفت. لازم به یادآوری است که افزایش در واردات به خودی خود، شاخصی برای بیان بیماری هلندی نیست ، بلکه این شاخص فقط یکی از عوامل تشدید آن است. برای بررسی دقیقتر رابطه رشد واردات و درآمدهای نفتی، به مقایسه رشد درآمدهای نفتی و نرخ رشد نسبت واردات به تولید ناخالص داخلی میپردازیم.

### درآمدهای نفتی و رشد اقتصادی

با افزایش درآمدهای ارزی حاصل از بروز رونق در یک بخش تولیدکننده کالاهای صادراتی (معمولاً مواد معدنی مانند نفت و گاز) پیش بینی میشود که رشد اقتصادی افزایش یابد. بررسی آماری دو متغیر رشد اقتصادی و درآمدهای نفتی (جدول شماره 6) ضریب همبستگی مثبت بین این دو متغیر در کل دوره مورد بررسی را نشان میدهد. اما در رابطه با این دو متغیر نی ز بر خلاف مبانی نظری ، این ضریب کمتر از 50 درصد بوده است. در واقع با افزایش درآمدهای نفتی، رشد اقتصادی بسیار کمتر از مقادیر مورد انتظار افزایش یافته است. به بیان دیگر تنگنای

ساختاری در اقتصاد ایران باعث تاثیرپذیری کم رشد اقتصادی از رشد درآمدهای نفتی شده است و تزریق این درآمد فقط افزایش قیمتها را به همراه داشته است.

## نتیجه گیری

مطالعات اقتصادی در مورد بیماری هلندی نشان دهنده طیف گسترده ای از تعاریف در مورد این پدیده است. بیشتر این تعاریف براساس ساختار اقتصادی کشورهای مختلف شکل گرفته است. آنچه از بررسی این پدیده در کشور ما قابل استخراج است به این ترتیب است:

- بررسی این پدیده در کشور ما می بایست با توجه به دو ویژگی مهم صورت پذیرد:  
اول اینکه، دولت انحصار کامل بر درآمدهای حاصل از نفت دارد و به طریق اولی تعیین نحوه جذب منابع حاصل از این درآمدها توسط دولت صورت میپذیرد و دوم، برخی از عوارض برشمرده شده برای شناسایی بیماری هلندی را لزوماً نمیتوان به این بیماری منتسب کرد. شاید این عوارض نشان دهنده بروز مشکل دیگری در اقتصاد است.
- یکی از عوارض مورد اتفاق در اغلب تعاریف مربوط به بیماری هلندی، بروز اختلال در قیمت‌های نسبی است. به بیان دیگر با تزریق درآمدهای نفتی پیشینی می شود قیمت کالاهای غیرقابل مبادله به شدت افزایش یابد که این امر خود منجر به بروز سفته بازی در خصوص کالاهای غیرقابل مبادله می شود. بررسی شاخص یادشده در کشور ما به دلیل محدودیتهای آماری در مورد تعریف این دو گروه از کالاها با استفاده از متغیرهای جانشین صورت پذیرفته است. استفاده از شاخصهای جانشین استنتاج نتایج قطعی را دشوار میکند، اما روند افزایش این شاخص به ویژه در سالهای اخیر احتمال وقوع بیماری هلندی را در کشور رد نمیکند.
- سایر شاخصهای تبیین کننده وجود این بیماری در اقتصاد از کارایی کافی در اقتصاد ایران برخوردار نیستند. به طور مثال ارزش افزوده بخش صنعت از تولید ناخالص داخلی به دلیل حمایت‌های گسترده دولت از این بخش، شاخص مناسبی ارزیابی نمیشود.
- براساس تعاریف اولیه از بیماری هلندی، بروز این پدیده در اقتصاد توأم با کاهش رشد اقتصادی است. دادههای آماری موجود در اقتصاد ایران وجود چنین پدیده‌های را در اقتصاد تأیید نمیکند.

بهرغم تا یید نشدن بروز پدیده بیماری هلندی در اقتصاد ایران - با استفاده از شاخصهای موجود- تزریق درآمدهای نفتی بیش از قدرت جذب اقتصاد، افزایش دارایی های خارجی بانک مرکزی، رشد پایه پولی، رشد نقدینگی، نبود توازن تراز بازرگانی و نظایر آنها را به همراه داشته است و بروز این عوارض با هر نامی عواقب زیانباری را به کشور تحمیل کرده است که در اینمورد برخی توصیهها ارائه میشود:

الف- بهعنوان یک راه حل کوتاه مدت، اصلیتترین سیاست باید برقراری یک نرخ آهستهتر برای تزریق درآمدهای نفتی به اقتصاد کشور از بودجه دولت باشد که انضباط در مصرف منابعحساب ذخیره ارزی را طلب میکند.

ب- ترکیب مخارج دولتی (که هزینه کننده درآمدهای نفتی است) به شدت بر طرفعرضه اقتصاد تأثیر می گذارد. از این رو درآمدهای نفتی باید در جهتی خرج شود که به تنوع تولید و صادرات بیانجامد تا در زمان کاهش قیمت نفت یا پایانپذیری منابع نفتی، اقتصاد دچار شوکشدید نشود.

ج- یکی از راههای مرسوم برای تخفیف آثار زیانبار بیماری هلندی، کنترل سرعت افزایش تقاضای کل است. این کار میتواند از طریق سرمایهگذاری در خارج یا کاهش بهرهبرداری از ذخایر صورت پذیرد. راه دیگر ایجاد ذخیره ارزی برای مواقع بحرانی است. در کشور ما راهسوم انتخاب شده است، در این راستا بر برداشت نکردن از این حساب و بهویژه تزریق نکردن آناز طریق بخش دولتی تأکید میشود.

د- ایجاد پر وژههای عظیم و سرمایهبر، در کوتاهمدت یکی از راههای تعدیل آثار تزریقدرآمد نفت به اقتصاد تلقی می شود، ولی باید توجه کرد که این سیاست به آسیبپذیری ووابستگی صنایع به قیمتتهای نفت که یک متغیر برونزا و خارج از کنترل است میانجامد.

## منابع

بختیاری، صادق (1380)، "بررسی آثار افزایش درآمدهای نفتی بر بخش کشاورزی"، مجله اقتصاد کشاورزی و توسعه، سال نهم، شماره 35، پاییز.

جودری، دانیس و اختر حسین (1382)، سیاستهای پولی و مالی در کشورهای در حال توسعه رشد و ثبات، ترجمه محمد آسیایی و مسعود باباخانی تهران، پژوهشکده امور اقتصاد ملی. شهشهانی، احمد (1357)، الگوی اقتصادسنجی و کاربردهای آن، تهران، مؤسسه توسعه و تحقیقات اقتصادی دانشگاه تهران.

فردمنش، محسن (1370)، تأثیر درآمدهای نفتی بر اقتصاد ایران، مؤسسه تحقیقات پولی و بانکی، بانک مرکزی جمهوری اسلامی ایران.

کهزادی، نوروز (1384)، "بررسی تجارب کشورها در اداره صندوقهای ذخیره ارزی"، بانک توسعه صادرات، شهریور 1384 صفحات 14-11.

گلریز، حسن (1380)، فرهنگ توصیفی اصطلاحات پول، بانکداری و مالیه بین المللی، انگلیسی - فارسی، ویرایش 2، تهران، فرهنگ معاصر.

نصری، قدیر (1380)، نفت و امنیت ملی، انتشارات پژوهشکده مطالعات راهبردی.

یدا ...زاده طبری، ناصر (1379)، "درآمدهای نفتی و بیماری هلندی"، مجله اطلاعات سیاسی و اقتصادی، خرداد و تیر.

Rutherford, Donald, (2002) *Routledge Dictionary of Economics* [Second Edition], New York,: Routledge, Taylor and Francis Group.

Rick lam, Leonard Wantchekon (2002), "Political Dutch Diseases", November.

[www.nyu.edu/gsas/dept/politics/faculty/wantchekon/research/dutch.pdf](http://www.nyu.edu/gsas/dept/politics/faculty/wantchekon/research/dutch.pdf)